

تحلیل پدیده حیوان آزاری در فقه امامیه و حقوق ایران

محمد محسنی دهکلانی*

علی رضانژاد**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۱۲

چکیده

یکی از مظاهر خلقت خداوند متعال که نقشی مهم و درخور توجه در نظام طبیعت و زندگی بشری دارد، حیوان است. فرموده خداوند متعال است که به پاس نعمت‌هایی که ارزانی داشته است، باید او را شکرگزار بود نه ناسپاس. از جمله نعماتی که برای انسان‌ها قرار داده، آن است که وی را اشرف مخلوقات آفریده و آنچه در آسمان‌ها و زمین وجود دارد، به تسخیرش درآورده است. شایسته اشرف مخلوقات نیست که ناسپاسی کند و از قدرتی که خداوند به او ودیعه داده است، استفاده نابجا نماید. اما در عصر حاضر همگام با تحولات همه‌جانبه در زمینه‌های علمی و فناوری و... سوءاستفاده از محیط زیست و حیوانات سرعت چشمگیری داشته است. از جمله نمونه‌های این استفاده نابجا پدیده حیوان آزاری می‌باشد. لذا بعد از بررسی مبانی اولیه و جایگاه حقوق حیوانات در شرع مقدس اسلام و همچنین قوانین داخلی کشور، به این پرسش‌ها پاسخ داده خواهد شد که اولاً حکم حیوان آزاری از منظر شرعی چیست؟ ثانیاً آیا در قانون داخلی پدیده حیوان آزاری جرم‌انگاری شده است؟ در پاسخ می‌توان گفت از نگاه شرعی، این پدیده مورد نهی قرار گرفته است و مشمول حکم حرمت می‌شود، اما در حقوق داخلی ایران برای پدیده حیوان آزاری جرم‌انگاری لازم که بتواند بازدارنده واقع گردد، صورت نگرفته است.

کلیدواژگان:

حیوان، حیوان آزاری، شرع، قانون.

* دانشیار دانشکده الهیات دانشگاه مازندران

mmdehkalany@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه مازندران

alirezanezhad7030@yahoo.com

مقدمه

انسان به عنوان اشرف مخلوقات در تمام ادیان آسمانی از کرامت خاصی برخوردار است و حقوق و تکالیف زیادی دارد. سال‌هاست که جوامع مختلف به تدوین قوانینی از جنبه‌های مختلف حقوق انسانی پرداخته و هر روز مطلبی جدید به آن افزوده‌اند. امروزه توجه جوامع به این مسئله جلب شده است که فقط انسان‌ها از حقوق مختلف برخوردار نیستند، بلکه تمام موجودات روی زمین، مانند کوه‌ها، دریاها، حیوانات و گیاهان نیز دارای حقوقی می‌باشند. انسان تمام مخلوقات را زیر سیطره خود دارد و از آنها به نفع خود بهره‌برداری می‌کند. «وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مِنْهُ»^۱ اما این به معنای تصرف مطلق و نگاه انسان‌محورانه به طبیعت و عناصر آن نیست. لذا بر اساس آیات دیگر قرآن که مهم‌ترین برنامه و قانون سعادت بشری است، انسان در قبال طبیعت و محیط زیست تکالیفی دارد که اساسی‌ترین آنها عدم تخریب آن می‌باشد.

اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت (IUCN)^۲ در سال ۲۰۱۴ از میان ۱۱۴۰ گونه جانوری در ایران، ۱۹ گونه از پستانداران،^۳ ۲۵ گونه از پرندگان،^۴ ۱۶ گونه از خزندگان^۵ و ۴ گونه از دوزیستان^۶ را به‌عنوان گونه‌های مهره‌دار در معرض تهدید انقراض قرار داده است که بسیار نگران‌کننده و تأمل‌برانگیز می‌باشد.^۷ به همین منظور، حفاظت از حیوانات به عنوان یکی از عناصر و ارکان طبیعت، از روزگار قدیم مورد توجه بوده است. در این میان در سال‌های اخیر پدیده‌ای فراگیر و شایع شده است که از آن با عنوان حیوان‌آزاری نام می‌برند. لذا این مقاله به دنبال آن است که با روشی توصیفی و تحلیلی، اولاً با نگاهی کوتاه به مبانی شرعی، بگوید حکم شرعی حیوان‌آزاری چیست؟ و ثانیاً آیا در میان قوانین داخلی ایران چنین رفتاری جرم‌انگاری شده است یا خیر؟ همچنین به این نکته اشاره کند که استفاده از جزای نقدی را در کنار مجازات‌های

۱. الجائیه، ۱۳.

2 International Union for Conservation of Nature.

3 Mammals .

4 Birds.

5 Reptiles.

6 Amphibian.

7 (www.iucnredlist.org).

تکمیلی که بتواند به نهادینه کردن حقوق حیوانات در اجتماع کمک کند، می‌تواند به عنوان پاسخی برای چنین رفتارهایی در نظر گرفت.

۱. کلیات

۱.۱. تعریف حیوان‌آزاری

مقصود از حیوان‌آزاری یا جنون حیوان‌آزاری^۱ پدیده‌ای مذموم است که به معنای آزار رساندن به حیوانات از روی خوشی و گاهی برای کسب لذت جنسی می‌باشد. این اصطلاح گویا نخستین بار توسط یک روانشناس آلمانی، به نام ارنست بورنمن،^۲ رایج شده است که منشأ آن، رفتار فرد برای کسب لذت است. در واقع از نظر علم روانشناسی نوعی رفتار مخرب و انحراف در سوءاستفاده از جانوران بوده است که موجب آزردهن حیوان و به نوعی ارضای فرد منحرف می‌شود. این پدیده نوظهور و اساساً مقید به زمان خاصی نیست، بلکه در سال‌های اخیر رشد چشمگیری داشته است و آنچه که موجب تألم‌خاطر افراد جامعه می‌شود و قبح این عمل را تشدید می‌کند، انتشار تصاویر این بدرفتاری‌هاست. اما باید به این نکته توجه داشت که این‌گونه نیست اگر تصاویر شکنجه و آزردهن حیوانات منتشر نشد یا منتشر گردید، و عرف یک منطقه متألم و آزرده‌خاطر نشد، عمل حیوان‌آزاری رخ نداده است. لذا متأثر شدن عرف داخل در چپستی و ماهیت این پدیده نیست، اگرچه می‌توان از آن برای جرم‌انگاری و مجازات عاملان آن استعانت جست؛ بلکه آنچه مقصود است صرف رفتارهای آزاردهنده و شکنجه کردن حیوان به هر نحوی از انحا می‌باشد. بنابراین، در تعریف حیوان‌آزاری باید گفت وارد ساختن تعدی و بی‌دلیل هر نوع آسیبی به حیوانات است که به شیوه‌های گوناگون، از قبیل آزار فیزیکی، آزار روانی، بی‌توجهی و عدم رسیدگی مثل تأمین نکردن آب و غذا، سرپناه و... صورت می‌پذیرد تا حدی که سلامت آن به خطر بیفتند. در واقع حیوان‌آزاری عنوان عامی است که به فعل خاصی اطلاق نمی‌شود، بلکه هر فعل یا حتی ترک فعلی که عمداً و بدون هیچ ضرورت خاصی انجام شود و به حیوان آسیبی وارد کند، در دامنه تعریف حیوان‌آزاری قرار می‌گیرد. در مطالعات جرم‌شناسی دیده شده است افرادی

1. Zoosadism – Animal abuse.

2. Ernest Bornemann..

که سابقهٔ حیوان‌آزاری دارند، نه فقط میزان ارتکاب به خشونت نسبت به افراد دیگر در آنها بالاست، بلکه میزان ارتکاب سایر رفتارهای ضداجتماعی نیز در آنها بیشتر است. اعمال خشونت علیه موجودات ضعیف‌تر، مانند حیوانات، در دوران کودکی می‌تواند به پذیرش خشونت علیه اعضای ضعیف‌تر خانواده و حتی جامعه مانند زنان و کودکان منجر گردد.^۱

۱.۲. چستی حقوق حیوان

نسل سوم از حقوق بشر، حقوق مردم است که در کنار حقوق نسل اول (حقوق آزادی) و نسل دوم (حقوق برابری) به حقوق برادری شهرت یافته است. این نسل از حقوق، شامل توسعه یافتن، حق زیستن در صلح و آرامش، حق برخورداری از محیط زیست سالم و حق مالکیت بر میراث مشترک بشریت، حقوق جمعی یا حقوق همبستگی نامیده شده‌اند. در این بین، حق برخورداری از محیط زیست سالم جزء نامزدهای اصلی از این گروه برای ارتقا یافتن به جایگاه حقوق بشر است تا از تمام تدابیر و توان نظام قضایی و سیاسی که در سطح ملی و بین‌المللی برای عدم نقض و اجرای این دسته از حقوق انسان‌ها وجود دارد، برخوردار شود. امری که متأسفانه تاکنون اتفاق نیفتاده و حق مزبور در سطح ملی و بین‌المللی به‌طور مستقل مورد شناسایی قرار نگرفته است.^۲

لذا نگرش جهانیان به مسئلهٔ پدیده‌های محیط زیست که حیوانات هم جزئی از آن است، و خطرهایی که آن را تهدید می‌کند، در حال تغییر می‌باشد و دیگر نمی‌توان نگاهی مطلقاً انسان‌محور به محیط زیست و پدیده‌های آن داشت. بهبود اوضاع نابسامان و بی‌توجهی به حقوق حیوانات، زمانی حاصل خواهد شد که محیط طبیعی و فرهنگی انسان با هم مرتبط باشند. لازمهٔ تحقق چنین هدفی وجود اخلاق محیط زیستی در تمامی اقشار یک جامعه است. بدین منظور باید از ارزش‌های اخلاقی که با معنویت آمیخته شده است، استعانت جست؛ چراکه ادیان همواره مروج اخلاق‌مداری بوده‌اند و هستند. زیباترین و جامع‌ترین نمود اخلاق در میان عناصر محیط زیست و به خصوص حیوانات را که آمیخته به معنویت است، در تعالیم اسلامی می‌توان دید. دین اسلام با برشمردن حقوقی برای تمام عرصه‌های محیط زیست، تأکید و اهتمام ویژهٔ خود را

1. Flynn Clifton P. "Acknowledging the Zoological Connection: A Sociological Analysis of Animal Cruelty", *Society & Animals*, Vol 9, No 1. 2001:p 72-73.

2. Vasak, Karel, "A thirty year struggle; the sustained efforts to give force to the universal declaration of human rights", *the unesco courier*, Paris, 1977, p29.

نسبت به آن نشان داده است. در این میان، حیوانات هم بخشی از محیط زیست هستند که قطعاً حقوقی را به خود اختصاص داده‌اند. لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت، آنچه را که دنیای امروز تحت عنوان حقوق حیوانات عرضه می‌کند، اسلام در ۱۴۰۰ سال پیش دقیق‌تر و لطیف‌تر، حتی با ضمانت‌اجراه‌های دنیوی و اخروی بیان کرده است.

اهم حقوق حیوانات را می‌توان تدارک آب و خوراک سالم، جایگاه و شرایط زیستی و روانی مناسب، رسیدگی به بهداشت و درمان، به‌کارگیری شایسته و آزار ندادن و سوءاستفاده از آنها دانست.^۱ علامه جعفری در خصوص حقوق حیوان می‌نویسد: «تهیه وسایل زندگی حیوانی که تحت تصرف قرار گرفته، واجب است و مقصود از وسایل زندگی حیوان تمام اموری است که زندگی حیوان به آنها بستگی دارد. حیوانی هم که تهیه وسایل زندگی آن واجب است، اعم از این است که ماکول اللحم بوده باشد یا نه؛ و همچنین اعم از این است که قابل انتفاع بوده باشد یا نه.»^۲ در واقع فراهم کردن مجموعه‌ای از حداقل‌هایی که حیوان به آن نیاز دارد، جزء حقوق حیوان محسوب می‌شود و مالک حیوان باید آن را تأمین کند. حیواناتی هم که مالک ندارند، در واقع همین مقدار که انسان آنها را به حال خود بگذارد و با بهره‌کشی‌های نادرست سبب از بین بردن و انقراض آنها نشوند، کفایت می‌کند و گمان نمی‌رود عملی کردن این مسئله برای بشر چندان سخت و دشوار باشد که نتواند از عهده آن برآید.

۱.۳. خاستگاه و منشأ وضع حقوق حیوان

عقیده بر آن است که فارغ از دستورات شرعی، حفظ حق حیات حیوانات در درجه اول مسئله‌ای وجدانی و اخلاقی است. بنابراین انسان نه فقط موظف به رعایت حقوق حیوانات است، بلکه رحم و مهربانی و رعایت عدالت نسبت به آنان نمادی از انسانیت و اخلاق‌مداری خواهد بود. مراجعه به منابع شرعی نیز نشان می‌دهد بایدها و نبایدهای بسیاری پیرامون حیوانات از پیشوایان دینی وجود دارد؛ به طوری که در رگ‌های تمامی این موارد، اخلاق جریان دارد. لذا دستورات و فرامین شرعی چیزی جز رعایت اخلاق و عدالت نسبت به حیوانات نیست. بنابراین دین اسلام با

1. Krstić, Novak, "Animal Protection From Killing And Abuse in the European and Serbian Criminal Law", Law and Politics, Vol 10, No 1, 2012, p45.

۲. جعفری، محمدتقی، منابع فقه، بی تا، ص ۱۶۷.

تأکید بر اصول اخلاقی، انسان‌ها را به رعایت حقوق حیوانات سوق می‌دهد که یکی از این حقوق نهی از آزردهن است.

بنابراین در وهله اول خارج از هرگونه اندیشه دینی و مذهبی، داشتن رفتار پسندیده و رعایت عدالت نسبت به آنان وظیفه‌ای است نشئت گرفته از اخلاق و الزامات شرعی که در منابع فقهی آمده و تأکیدی است بر این وظیفه اخلاقی؛ به طوری که چیزی جدای از آن نیست. البته این بدان معنا نیست که دستورات شرعی لغو و بیهوده است، بلکه بدان معناست رعایت حقوق حیوان اولاً و بالذات یک وظیفه اخلاقی است و این‌گونه نیست که اگر دستورات شرعی کنار گذاشته شود یا فردی که اندیشه‌های دینی ندارد، هیچ وظیفه‌ای نسبت به حیوانات نداشته باشد. در حقیقت این وجدان اوست که حکم به رعایت حقوق حیوان و داشتن رفتار نیک با آنان می‌کند و در وهله دوم این شرع است که وارد میدان شده، نقش ایفا می‌کند و منشأ وضع حقوقی برای حیوانات می‌شود.

۲. حیوان‌آزاری از دیدگاه اسلام

احکام و حقوق بسیاری در آموزه‌های دینی پیرامون حیوانات آمده است که یکی از حقوق مهم حیوانات که محور اصلی بحث می‌باشد، نهی از آزار و اذیت و کشتن بی‌دلیل و بدون هیچ ضرورت عقلایی تمامی گونه‌های جانوری است. از منظر اسلام بروز چنین رفتارهایی جایز نیست و مشمول حکم تکلیفی حرمت می‌شود. با نگاهی به آیات قرآن، روایات و کلام فقهای متقدم و متأخر، دلیل عقل و قواعد فقهی مقصود ثابت می‌گردد.

۲.۱. استدلال با آیات

در استدلال به عدم جواز حیوان‌آزاری از منظر قرآن، خداوند در آیه ۵۶ سوره اعراف می‌فرماید: «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ» (و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید و او را با بیم و امید بخوانید - بیم از مسئولیت‌ها، و امید به رحمتش و نیکی کنید- زیرا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است). نقطه عطف این آیه در استدلال به آن، عبارت «لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ» است که به معنای ظلم و فساد نکردن در زمین می‌باشد. بیشتر مفسران و صاحب‌نظران از این آیه در باب نهی از فساد در اعتقادات و اخلاقیات همچون شرک نورزیدن به خدا، عدم ارتکاب قتل و غارت یکدیگر و

مواردی از این دست استفاده کرده اند. لیکن باید در نظر داشت که این عبارت عام است و عمومیت آن شامل هر ظلم و ستمی می‌شود، خواه علیه انسان باشد یا غیرانسان. آزار و اذیت علیه حیوانات، شکار بی‌رویهٔ آنها یا به‌طور کلی تخریب طبیعت و محیط زیست و مواردی از این قبیل همگی از جمله نمونه‌های ظلم و ستم و فساد در زمین است که مورد نهی باری تعالی قرار گرفته است. فلذا نمی‌توان این آیه را منحصر به نهی از فساد در اعتقادات و اخلاقیات دانست.

۲.۲. استدلال با روایات و کلام فقها

از مجموع متون فقهی و روایی نیز به دست می‌آید که تعرض به حیوانات و کشتن بی‌دلیل آنها کار پسندیده‌ای نیست. لذا در روایات متعددی از کشتن بی‌هدف حیوانات نهی و موجب عذاب الهی معرفی شده است. در تأیید ممنوعیت کشتن حیوانات، می‌توان به روایات متعددی که ذیل این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد، اشاره نمود.

از پیامبر گرامی اسلام (ص) روایت شده است: «نهی عن قتل كل ذی روح الا ان یؤذی»^۱ (ایشان از کشتن هر موجود دارای روح نهی فرمودند، مگر آنکه موذی باشد). لذا با دقت و تأمل در این حدیث مشخص می‌شود که حضرت کشتن بی‌جهت هر نوع موجود دارای روح را ممنوع کرده است و عمومیت کلام ایشان شامل هر نوع موجود زنده‌ای می‌شود، خواه حلال گوشت باشد یا حرام گوشت، خواه اهلی باشد یا وحشی و درنده. بنابراین با عنایت به این مطلب می‌توان استنباط نمود کشتن حیوانی که برای انسان ضرری ندارد و آسیبی به او نمی‌زند، ممنوع است و هیچ توجیهی ندارد. در متون روایی و فقهی، زدن حیوانات، خواه با شلاق یا با شیء دیگر، مذمت شده و همواره بر رفتاری لبریز از شفقت و مهربانی با حیوان تأکید شده است. در روایاتی از پیامبر نقل شده است: «لا تضربوا الدواب علی وجوهها فإنها تسبّح بحمد الله»^۲ که حضرت از زدن بر صورت حیوان نهی کردند و در چرایی این حکم هم آمده است که هر چیز حرمتی دارد و حرمت حیوانات نیز در صورت آنهاست و هرآنچه که ذی‌روح باشد، حمد و ستایش خداوند متعال را به‌جا می‌آورد. لذا این روایت و روایات مشابه آن، زدن بر صورت حیوانات را بی‌حرمتی می‌دانند و به همین دلیل از این عمل نهی می‌کنند. همچنین حیوان‌آزاری مصادیق و نمونه‌های دیگری نیز

۱. متقی هندی، *کنز العمال*، بی تا، جلد ۱۵، ص ۳۹.

۲. کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب، *الکافی*، جلد ۶، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷، ص ۵۳۸.

دارد که در اسلام به شدت از آنها نهی شده است؛ از جمله زنده آتش زدن و سوزاندن حیوانات، عقیم کردن، پی کردن، درگیر کردن آنها با هم، حبس کردن در مکان‌های کوچک و... که همگی آنها مورد نهی معصومین و فقها قرار گرفته است.^۱ علاوه بر منع آزردهن جسمی حیوان، آزار روحی آنها نیز نهی شده و بارها در کلام معصومین، لعن کردن حیوانات به عنوان امری ناپسند مورد اشاره قرار گرفته است. از حضرت علی نقل شده است که فرمودند: فی الدواب لا تضربوا الوجوه و لا تلغونها - فإن الله عز و جل لعن لآعینها^۲ (بر صورت چهارپایان نزنید و آنها را لعن نکنید که همانا خداوند عزوجل لعن‌کننده آنها را مورد نفرین خود قرار می‌دهد).

امیرالمومنین حضرت علی(ع) در کلام گوهریار خود خطاب به کارگزاران مالیاتی، برای دریافت مالیات می‌فرماید: «برو با ترس از خدا که یگانه است و بی‌همتا، مسلمانی را مترسان و بیش از حق خدا از مال او مستان... و چون به رَمه رسیدی چونان کسی به میانشان نرو که بر رَمه چیرگی دارد یا خواهد که آنها را بیازارد، و چارپایان را از جای مگریزان و مترسان... و بر آن مگمار جز خیرخواهی مهربان، و درستکاری نگاهبان که نه بر آنان درستی کند و نه زینشان رساند، و نه در مانده شان سازد و نه خسته شان گرداند...»^۳ با عنایت به سخن حضرت واضح است که ایشان اجازه خسته کردن و آزار رساندن حیوانات را به کارگزار مالیاتی خود نداده‌اند. در حقیقت همان‌گونه که حضرت اجازه ترساندن مسلمانی را به مأمور خود ندادند، او را از ترساندن حیوانات هنگام دریافت مالیات نیز نهی کردند و این دال بر داشتن رفتاری آکنده از شفقت نسبت به حیوانات و احترام به حق حیات آنها در سیره ایشان است. از این نکته به خوبی می‌توان دریافت که احترام ذات حیوان بدان سبب است که دارای حیات می‌باشد نه به دلیل اینکه یک ماده اقتصادی مفید است.^۴

۱. ر.ک. ابن ادریس حلی، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، جلد ۲، چاپ دوم، ۱۴۱۰، ص ۲۰؛ علامه حلی، *تذکره الفقهاء*، جلد ۹، ص ۸۴؛ نجفی، محمد حسن، *جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام*، جلد ۲۱، ص ۸۲؛ برقی، ابوجعفر، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن (للبرقی)*، ۱۳۷۱ ق، ص ۶۳۴؛ مجلسی دوم، محمد باقر بن محمدتقی، *بحار الأنوار*، جلد ۶۴، ۱۴۱۰، ص ۲۴۴؛ فاضل هندی، محمد بن حسن، *کشف اللتام و الإبهام عن قواعد الأحكام*، جلد ۷، ۱۴۱۶، ص ۶۱۱.
۲. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل‌البتیت(ع)، ۱۴۰۹، ص ۴۸۳؛ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *من لا یحضره الفقیه*، جلد ۲، ۱۴۱۳، ص ۲۸۷.
۳. نهج البلاغه، نامه شماره ۲۵.
۴. جعفری، محمد تقی، *وسائل فقهی*، مؤسسه کرامت تهران، ۱۳۷۷، ص ۱۲۰.

علاوه بر آن، فقهای معاصر نیز چنین رفتارهایی را جایز نمی‌دانند که برای نمونه به چند مورد از استفتائاتی که از حضرات آیات شبیری زنجانی، علوی گرگانی و مرحوم موسوی اردبیلی صورت گرفته است، اشاره می‌شود: به فرمودهٔ آیت‌الله العظمی شبیری زنجانی، «آزار و اذیت قابل توجه حیوانات، بدون وجود ضرورت (شرعی یا عقلایی) جایز نیست.»^۱ به فرمودهٔ آیت‌الله العظمی علوی گرگانی، «کشتن عمدی حیواناتی که آزار نمی‌رسانند، جایز نیست ولی اگر بدون قصد زیر پا له شوند [موجودات ریز مثل مورچه مقصود است]، گناهی ندارد.»^۲ به فرمودهٔ آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی، «در اسلام نسبت به حیوانات غیر مودی سفارش زیادی شده و شکنجه حیوان به بهانه تربیت سزاوار نمی‌باشد، حتی حیوانی که مودی است، روا و سزاوار کشتن یا شکنجه نمی‌باشد.»^۳

۲.۳. استدلال با دلیل عقل

نحوهٔ استدلال عقلی در این موضوع به این شکل است که هرگونه تعدی به حقوق حیوان و آزار و اذیت آنان و کشتن بی‌دلیل حیوان غیرمودی ظلم است و ظلم نیز به حکم عقل قبیح می‌باشد. در نتیجه آزار و اذیت حیوان نیز عقلاً ظلم تلقی شده است و با توجه به ملازمه‌ای که میان حکم عقل و شرع وجود دارد، شرع نیز چنین حکم می‌کند. بنابراین واضح است که مسئلهٔ حیوان‌آزاری از جمله مدرکات عقل عملی است و عقل مستقلاً به قبح آن حکم می‌کند. البته ممکن است چنین گفته شود که شرع نیز به قبح حیوان‌آزاری حکم و آن را ظلم تلقی می‌کند. پس آزردهن حیوانات جزء غیرمستقلات عقلی است. در پاسخ می‌توان گفت اگرچه شرع نیز به قبح حیوان‌آزاری حکم می‌کند، ولی حکم شرع جنبهٔ تأکیدی و ارشادی دارد نه تأسیسی. یعنی اگر شرع به قبح حیوان‌آزاری حکم نمی‌کرد، عقل مستقلاً به قبح بودن آن حکم می‌نمود.

در مجموع با توجه به آیات و روایات و همچنین استنباط عقلی واضح است که فقها کشتن و زدن بی‌دلیل حیواناتی که ضرری برای انسان ندارند یا ضررشان بسیار ناچیز است، جایز نمی‌دانند و حق حیات آنها را محترم می‌دانند. لذا با عنایت به منهی عنه بودن چنین رفتارهایی نزد شارع و قبیح بودن آن نزد عقل آدمی می‌توان حکم حرمت حیوان‌آزاری را استنباط کرد.

1. (www.zanjani.net)
2. (www.gorgani.ir)
3. (www.ardebili.com)

۳. حیوان‌آزاری در قوانین داخلی

بعد از بیان این مطلب که حیوان‌آزاری از دیدگاه فقه امامیه مشمول حکم تکلیفی حرمت می‌شود، حال جای این بحث است که آیا در میان قوانین داخلی حیوان‌آزاری - با آن تعریفی که از پیش گفته شد - جرم‌انگاری شده است یا خیر؟

۳.۱. فقدان قانون مختص به منع حیوان‌آزاری

اگرچه قوانین حمایتی وضع شده به خصوص قوانین اعمال‌شده در سال‌های اخیر نسبتاً مطلوب ارزیابی می‌شود، اما مشکل اینجاست که قانونی در خصوص حیوان‌آزاری وجود ندارد. زیرا قانون شکار و صید ناظر بر راه‌های قانونی شکار و صید و همچنین اعمال مجازات برای متخلفین از این قواعد را بیان می‌دارد و به مسئلهٔ آزرده حیوان - به آن مفهوم از پیش گفته شده - اشاره‌ای نکرده است. از طرفی این مشکل نیز وجود دارد که قانون شکار بیشتر به حمایت از گونه‌های جانوران وحشی در معرض خطر انقراض و یا کمیاب پرداخته است؛ یعنی قسمی از جانوران را مدنظر قرار داد نه همهٔ آنها را. بنابراین مسئلهٔ حیوان‌آزاری و مصادیق آن تخصصاً از قانون شکار خارج است. مخلص کلام اینکه پدیدهٔ حیوان‌آزاری جرم‌انگاری نشده است؛ به آن نشان که در موارد ارتكابی، قضات مرتکبین را از باب مادهٔ ۶۳۸ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده محکوم کردند که این خود اشکالاتی را به همراه دارد.

۳.۲. نقدی بر استدلال به مادهٔ ۶۳۸ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده

در مادهٔ ۶۳۸ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده آمده است: «هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد، ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.»

اگر به این ماده دقت شود، مشخص می‌گردد که مادهٔ ۶۳۸ از دو قسمت تشکیل شده است. در قسمت اول قانون‌گذار می‌گوید: «هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل، به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم

می‌گردد.» به موجب این قسمت، امکان محکوم و مجازات کردن فرد حیوان آزار وجود ندارد؛ زیرا اگرچه حیوان‌آزاری از لحاظ شرعی ممنوع بوده، لیکن هیچ کیفری در قوانین برای آن مقرر نشده است تا علاوه بر کیفر مفروض به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم شود. اما در قسمت دوم قانون‌گذار می‌گوید: «در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید، فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.» لذا قانون‌گذار موضوع این ماده را که «ارتکاب فعل فاقد کیفر» می‌باشد، منوط به یک شرط کرده و آن شرط «جریحه‌دار شدن عفت عمومی» است. حال که در میان قوانین، کیفری برای حیوان‌آزاری وضع نشده و از لحاظ شرعی هم مورد نهی قرار گرفته است، در صورتی که احراز شود به موجب آن عفت عمومی جریحه‌دار می‌گردد، در این صورت می‌توان فرد را به مجازات این ماده محکوم کرد. به عبارت ساده‌تر، مجازات کردن فرد حیوان‌آزار به کیفرهای مقرر در ماده ۶۳۸ منوط به جریحه‌دار شدن عفت عمومی است. اما پرسش اینجاست که مقصود و منظور قانون‌گذار از جریحه‌دار شدن عفت عمومی چیست؟ به‌طور کلی تعریف دقیقی از اعمال منافی عفت عمومی در قوانین نشده و این مسئله سبب تشتت‌آرا در محاکم گردیده است. زیرا عمل منافی عفت امری است نسبی که با معیارها و شرایط اجتماعی، آداب و رسوم، فرهنگ و احساسات اکثریت مردم هر منطقه سنجیده می‌شود. اما در خصوص این ماده و اعمال منافی عفت عمومی باید گفت: به نظر می‌رسد مقصود قانون‌گذار هر کاری است که به امور نامشروع جنسی غیر از زنا یا لواط از قبیل تقبیل و مضاجعه مربوط بوده و برحسب عرف و احساسات عمومی شرم‌آور باشد؛ لذا منظور از اعمال منافی عفت، مطلق اعمال خلاف اخلاق و وجدان عمومی جامعه نیست؛ زیرا اولاً در ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی سال ۱۳۹۴ در قالب یک تبصره جرایم منافی عفت عمومی این‌گونه شرح داده شده است: «منظور از جرایم منافی عفت در این قانون جرایم جنسی حدی، همچنین جرایم رابطه نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضاجعه است.» بنابراین واضح است که منظور از اعمال جریحه‌دارکننده عفت عمومی مطلق نیست. ثانیاً ماده ۶۳۸ دومین ماده از فصل هجدهم قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده است که عنوان این فصل «جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی» می‌باشد. لذا به قرینه این عنوان و مواد ماقبل و مابعد ماده ۶۳۸ که مربوط به ارتکاب جرایم نامشروع جنسی غیر از زنا

یا لواط است، بعید به نظر می‌رسد که موضوع خود این ماده چیزی غیر از موضوع مذکور باشد. بنابراین با کنار هم قرار دادن این قرائن، آنچه استنباط می‌شود این است که به طور کلی مقصود قانون‌گذار از اعمال جریحه‌دارکننده عفت عمومی، جرایم نامشروع جنسی غیر از زنا یا لواط از قبیل تقبیل یا مضاجعه است. حال که اینطور است، چگونه می‌توان فرد مرتکب حیوان‌آزاری را به موجب ماده ۶۳۸ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ محکوم و مجازات کرد؟ بنابراین در حالت عادی امکان استناد به این ماده صحیح نیست.

۳.۳. نگاهی به ارکان لازم برای جرم انگاری حیوان‌آزاری

۳.۳.۱. ارکان عمومی

هر جرمی به طور کلی دارای عناصر تشکیل‌دهنده‌ای است که از آن با عنوان عناصر عمومی تشکیل‌دهنده جرم یاد می‌کنند. به لحاظ حقوقی برای اینکه رفتار انسان جرم به شمار آید، ابتدا باید قانون‌گذار آن رفتار را جرم شناخته و کیفری برای آن مقرر کرده باشد (عناصر قانونی). سپس فعل یا ترک فعل مشخص باید به منصفه ظهور برسد. یعنی رفتار مجرمانه باید در عالم خارج تحقق پیدا کند. (عناصر مادی) و دیگر اینکه رفتار مجرمانه باید همراه با تقصیر جزایی یا قصد مجرمانه باشد (عناصر روانی).^۱

با توجه به ارکان ضروری جرم و تعریفی که ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ از جرم ارائه می‌دهد، جرم در حوزه حقوق حیوانات را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «رفتاری (فعل یا ترک فعل) غیرقانونی است که با نقض قوانین داخلی این حوزه یا مقررات محیط زیست همراه است و ارتکاب آن موجب تعقیب و اعمال ضمانت‌اجراهای کیفری علیه فرد می‌شود. نتیجه این رفتار می‌تواند به آسیب دیدن، کشته شدن یا انقراض گونه‌های جانوری، به فروش رفتن و یا استثمار و بهره‌کشی آنان منجر شود.»^۲ بنابراین برای وصف کیفری بخشیدن به این رفتار، ابتدا باید عناصر لازم فراهم باشد و سپس مجازاتی در نظر گرفته شود تا جرم‌انگاری کامل گردد.

۱. اردبیلی، محمدعلی، *حقوق جزای عمومی*، جلد ۱، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۲، ص ۱۷۸.

۲. خانعلی پور، سکینه، حسین آقابابایی، و اسماعیل انصاری، *حقوق حیوانات در سنجه جرم‌شناسی انتقادی گونه‌های حیوانی*، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال هفتم، ۱۳۹۵، شماره ۲، ص ۱۱.

۳.۳.۱.۱. عنصر قانونی

همان‌گونه که گفته شد، رفتارهایی که از آن به عنوان حیوان‌آزاری یاد می‌شود، در حقوق داخلی فاقد وصف قانونی است و در نتیجه جرم تلقی نمی‌شود. لذا ماده یا تبصره یا حتی لایحه‌ای در این خصوص وجود ندارد تا به آن پرداخته شود. از این‌رو برای رسیدن به این مطلوب باید به دنبال فراهم کردن دو عنصر دیگر بود.

۳.۳.۱.۲. عنصر مادی

رفتارهایی که در اینجا مدنظر است، همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، رفتارهایی است مثل کشتن بی‌دلیل حیوانات، زنده سلأخی کردن، زنده در آتش انداختن، ضرب و شتم حیوان با هر وسیله‌ای اعم از شلاق یا غیر آن، به جنگ انداختن آنان، عقیم‌سازی، مثله کردن، داغ کردن، رنگ کردن حیوان بدون اینکه هیچ فایده عقلایی بر آن مترتب باشد و... که غالباً این رفتارها به صورت فعل مثبت تحقق پیدا می‌کند و کمتر به صورت ترک فعل به منصفه ظهور می‌رسد. بنابراین، هر رفتاری از انسان صادر شود که به تمامیت جسمانی حیوانات - خواه تحت مالکیت شخص حقیقی باشد یا تحت حمایت سازمان حفاظت محیط زیست - ضرری برساند، می‌تواند به عنوان عنصر مادی حیوان‌آزاری محسوب شود. مقصود از ضرر و تعدی به حیوان، کشتن و آزریدن بی‌جهت آنهاست؛ در نتیجه این نکته پیش‌فرض است که دفع حیوانات موذی، حیوان‌آزاری محسوب نمی‌شود. البته تعیین حیوان موذی و ضرررسان کمی دشوار است. مثلاً ممکن است وقتی حیوان درنده‌ای به دام‌های یک دامدار حمله‌ور می‌شود، با این توجیه که منافعش در خطر است، با هر وسیله‌ای، حتی اسلحه گرم، اقدام به دفع آن کند؛ درحالی‌که نسل همان‌گونه شکارگر در خطر انقراض است. رفع این مشکل مستلزم آن است که اولاً تعریف دقیق و صریحی از جانوران موذی در قوانین به عمل آید و ثانیاً اقداماتی عملی و مؤثر صورت گیرد تا در وهله اول چنین مشکلاتی پیش نیاید و در وهله دوم اگر چنین مشکلی پیش آمد، راه‌کارهای جبرانی برای خسارت وارده در نظر گرفته شود.

اما در اینجا باید به یک نکته توجه کرد و آن اینکه گاهی اوقات قانون‌گذار نفس عملیات ارتكابی جرم را فارغ از نتیجه‌ای که آن عملیات ارتكابی دارد، در نظر گرفته، عامل آن را مجازات می‌کند. مثل جرم ترویج سکه قلب که موضوع ماده ۵۱۸ یا جرم غصب عناوین و مشاغل که

موضوع ماده ۵۵۵ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده است. اما گاهی اوقات نیز قانون‌گذار با در نظر گرفتن نتیجه حاصل شده عمل را جرم می‌داند، مثل قتل نفس. به جرایم دسته اول در اصطلاح حقوق کیفری و جرم مطلق و به جرایم دسته دوم جرم مقید به نتیجه گفته می‌شود.^۱ لذا در فرض جرم‌انگاری حیوان‌آزاری باید آن را از جمله جرایم مطلق به حساب آورد نه جرایم مقید به نتیجه؛ زیرا با توجه به آنچه در خواهد آمد، ملاک، صرف انجام عملیات ارتكابی ضررزننده به گونه‌های جانوری است و نتیجه این بروز رفتار هرچه که باشد دخیل در این ملاک نیست.

۳.۳.۱.۳. عنصر معنوی

علاوه بر عنصر قانونی مبتنی بر پیش‌بینی رفتار مجرمانه در قانون جزا و عنصر مادی جرم، شامل وقوع عمل در خارج، باید عمل مزبور از اراده مرتکب ناشی شده باشد. در واقع باید میان عمل و شخص عامل رابطه روانی یا رابطه ارادی موجود باشد که آن را عنصر اخلاقی یا معنوی می‌نامند. در کلیه جرایم، اعم از عمدی یا غیرعمدی، اراده ارتکاب فعل وجود دارد و قانون‌گذار فقط انجام عمل ارادی را مجازات می‌کند و در صورت فقدان اراده ارتکاب فعل، تحقق جرم منتفی است. از طرف دیگر، اراده ارتکاب فعل نیز باید با قصد مجرمانه یا خطای جزایی توأم باشد و گرنه به علت فقدان عنصر روانی عمل ارتكابی جرم تلقی نمی‌شود. بنابراین برای تشکیل عنصر معنوی باید با چند مفهوم به طور خلاصه آشنا شد.

– **عمد:** «مفهوم عمد عبارت است از هدایت اراده انسان به سوی منظوری که انجام یا عدم انجام آن را قانون‌گذار منع یا امر نموده است. بنابراین در جرایم عمدی فعل و نتیجه آن هر دو، مورد اراده و خواست عامل است.»^۲ چنان که برخی از دانشمندان معروف حقوق جزا، مثل امیل گارسن^۳، دوندینو وابر^۴، گارو^۵ و لابرد لاکست^۶، برای عمد تعریفی مشابه در نظر گرفتند که عبارت است از: معرفت فاعل به نامشروع بودن عمل ارتكابی.

۱. نوربها، رضا، *زمینه حقوق جزای عمومی*، مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان، ۱۳۸۷، ص ۱۳۷.

۲. گلدوزیان، ایرج، *بایسته‌های حقوق جزای عمومی* ۱-۳-۳، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۱، ص ۱۸۰.

3. Emile garcon.

4. Donnedieu devabres.

5. Garraud.

6. Labord Lacoste.

– **اراده:** با اینکه واژه اراده در هر مورد به صورت خاصی تعریف شده، ولی مفهوم آن در حقوق جزا عبارت است از: توجه فاعل به عمل ارتكابی و تشخیص نیک از بد.

– **علم:** منظور از علم در حقوق جزا، آگاهی فرد مجرم به عمل ارتكابی و یا آگاهی او به حکم قانون است. لذا منظور از علم این است که فرد بداند چه می‌کند.

اما گفته شد که بروز رفتارهای آزاردهنده و ضرررسان به گونه‌های جانوری باید جزء جرایم مطلق محسوب شوند نه جرایم مقید. بنابراین صرف اراده و علم به انجام آن رفتار آزاردهنده، بدون قید نتیجه مجرمانه برای احراز عمد کافی است و چون چنین است اراده و خواست نتیجه-جرم و یا معدوم کردن حیوان، هرچه که باشد توسط عامل، دخیل در عمد نیست و لذا همین مقدار که نسبت به فعل خود صاحب اراده و آگاه باشد، برای تحقق عمد و سوءنیت فرد کافی است.

در حیوان‌آزاری اراده و علم به ارتكاب رفتار توسط فرد مرتکب مفروض است؛ یعنی در حالت عادی، مرتکب به هنگام بروز رفتارهای مذکور نسبت به آنها صاحب اراده است و می‌داند که چه می‌کند. در واقع اعمالی که از او سر می‌زند، تابع اراده و آگاهی اوست. کسی نمی‌تواند ادعا کند مثلاً به هنگام ضرب و شتم یک حیوان، خواه با شلاق یا غیر آن، آگاهی و اراده‌ای به این فعل خود نداشته است. مگر اینکه مرتکب در حالت غیرعادی، همچون مستی، چنین رفتارهایی را انجام دهد که آن بحث دیگری است. در نتیجه وقتی کسی مرتکب چنین رفتاری شد، به محض اینکه وارد مرحله اجرایی شد، عمد یا عنصر معنوی آن هم مفروض تلقی می‌شود.

۳.۳.۲. ارکان اختصاصی

اما آیا برای جرم‌انگاری حیوان‌آزاری علاوه بر عناصر عمومی، ارکان و عناصر اختصاصی هم می‌توان متصور شد؟ به نظر می‌رسد در کنار عناصر عمومی، عناصر اختصاصی هم برای جرم‌انگاری لازم باشد. از آنجایی که حیوان‌آزاری از جمله رفتارهای خلاف اخلاق حسنه و وجدان عمومی است و مستعد برای اخلال در نظم عمومی نیز می‌تواند باشد، به همین دلیل به نظر می‌رسد مقید کردن ارتكاب چنین رفتاری، به این قیود یا دست‌کم یکی از آنها، دور از انتظار نباشد. البته مراد از جریحه‌دار شدن افکار و وجدان عمومی به معنای خاص آن که شاید برخی گمان کنند یعنی ارتكاب رفتارهای نامشروع جنسی خدشه‌دارکننده طیف وسیعی از جامعه نیست، بلکه مراد از آن در اینجا به معنای عام کلمه است؛ یعنی هر رفتاری که سبب تأثر و تألم خاطر

افراد جامعه شود. از جبهه‌گیری و واکنش‌های عموم مردم نسبت به حیوان آزاری هم کاملاً پیداست که ارتکاب چنین رفتارهایی سبب تأثر و تألم وجدان همه عقلای یک جامعه می‌شود. بنابراین از آنجایی که رفتارهای آسیب‌زننده به گونه‌های جانوری دامنه بسیار وسیعی دارد و به یقین هر رفتار آسیب‌زننده به گونه‌های جانوری را نمی‌توان در دایره جرم‌انگاری قرار داد، به همین دلیل بهتر است محول به عرف و عقلا شود؛ به این صورت که: هرگاه عرف و افراد یک جامعه رفتار آسیب‌زننده به گونه‌های جانوری را از لحاظ اخلاقی مذموم و ناپسند بدانند یا اگر مستقیماً ارتکاب چنین رفتارهایی نظم عمومی را مختل کند، آنگاه می‌توان برای آن اعمال مجازات کرد.

۳.۴. ضمانت اجرای جرم انگاری حیوان آزاری

۳.۴.۱. مجازات اصلی

۳.۴.۱.۱. حبس

یکی از مجازات‌های سلب‌کننده آزادی، حبس است که اغلب در جرایم تعزیری مورد استفاده می‌گیرد. عموماً در جرایم زیست محیطی هم به وفور از آن استفاده می‌شود. اما در رویه قضایی کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد و بیشتر جای خود را به جزای نقدی می‌دهد.^۱ یکی از دلایل شاید عدم نظارت و کنترل کافی بر روی رفتار زندانیان باشد. متأسفانه اکثر زندان‌ها به جای جرم‌زدایی و بازدارندگی لازم، جرم‌زا هستند و مجرم به جای اینکه در زندان اصلاح شود، طرح و نقشه‌های مجرمانه جدیدی برای دوران آزادی بعد از حبس خود آماده می‌کند. زیرا برنامه‌های اصلاحی که در زندان‌ها صورت می‌گیرد، بسیار ضعیف و میزان تأثیر آن کم است. یکی دیگر از این دلایل می‌تواند هزینه‌دار بودن حبس برای دولت باشد. در جزای نقدی، فرد محکوم‌علیه باید هزینه‌ای به خزانه دولت از باب کیفر بپردازد و این یعنی درآمد و منفعت برای دولت. اما در مجازات حبس، دولت باید الزاماً حداقل هزینه‌های لازم یک زندانی را تأمین کند و این یعنی خرج اضافی. لذا شاید به همین دلایل باشد که در سال‌های اخیر دستورالعمل سامان‌دهی زندانیان و

۱. کوشکی، غلامحسین، چالش‌های نظام کیفری ایران در حوزه جرایم زیست محیطی، فصلنامه اطلاع‌رسانی حقوقی، سال هشتم، ۱۳۸۹، شماره‌های ۱۷ و ۱۸، ص ۹۶.

کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها تدوین گردیده است و مجازات حبس در عمل معطوف به زمانی شده که واقعاً لازم و ضروری باشد.

۳.۴.۱.۲. شلاق

این کیفر با اصل شخصی بودن مجازات‌ها به خوبی سازگار است؛ اما مشکل اینجاست که در نظر گرفتن مجازات شلاق برای مرتکب رفتارهای ناشایست علیه گونه‌های جانوری کمی سنگین به نظر می‌رسد، مضاف بر اینکه هیچ پشتوانه شرعی هم ندارد. در سال‌های اخیر متأسفانه برخی از دولت‌های غربی با فشار بر سازمان ملل جو ناخوشایند و مسمومی علیه ایران به دلیل مجازات‌های سنگین و غیربشردوستانه به بهانه خلاف حقوق بشر بودن این مجازات‌ها، به راه انداختند. در ششمین گزارش از وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران که در سال ۲۰۱۶ تهیه شد، همچنان نسبت به اعمال مجازات‌هایی مثل شلاق اعتراض وجود دارد.^۱ لذا، وضع شلاق برای اعمال مجرمانه‌ای که یک انسان علیه یک انسان دیگر مرتکب می‌شود، زیر سؤال است؛ چه رسد به اینکه برای رفتارهای خشونت‌آمیز علیه حیوانات چنین مجازاتی وضع شود. در حال وضع شلاق برای حیوان‌آزاری سنگین به نظر می‌رسد و هیچ پشتوانه شرعی برای آن نمی‌توان پیدا کرد.

۳.۴.۱.۳. جزای نقدی

جزای نقدی یک سری مزایا و یک سری معایب دارد؛ از جمله مزایای جزای نقدی این است که انتخاب آن به جای زندان که محیطش معمولاً جرم زاست، مانع تباهی و فساد مجرمین می‌گردد. علاوه بر این، مجازات‌های مالی همیشه جنبه ارباب‌آمیز بودن خود را حفظ می‌کنند، ولی مجازات حبس نسبت به مجرمین تکرارکننده جرم، اثر ارباب‌ندارد و فرد پس از یکی دو بار زندانی شدن به محیط زندان عادت می‌کند. لیکن از جمله معایب جزای نقدی هم این است که با اصل شخصی بودن مجازات‌ها تعارض دارد؛ زیرا تحمل مجازات مزبور از طرف محکوم‌علیه، نه فقط بر خود فرد لطمه وارد می‌شود، بلکه نسبت به اعضای خانواده او نیز اثر ناگوار دارد و آنها را هم برای تأمین مقدار جزای نقدی به مشکل می‌اندازد. اما در مجموع در نظر گرفتن جزای نقدی

۱. ر.ک به: ششمین گزارش احمد شهید، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد از وضعیت حقوق بشر در ایران، سپتامبر ۲۰۱۶: بندهای ۲۲ تا ۲۵.

نسبت به سایر مجازات‌ها، به عنوان مجازاتی اصلی برای حیوان‌آزاری مناسب‌تر است. این مطلب وقتی موجه به نظر می‌رسد که قانون‌گذار در قوانین مشابه مثل قانون شکار و صید و همچنین در دو ماده ۶۷۹ و ۶۸۰ قانون مجازات اسلامی که مربوط به حیوانات است، با توجه به ملاک‌هایی که مدنظر داشته، هم مجازات حبس در نظر گرفته است و هم مجازات‌های مالی؛ ولی فی‌الحال با توجه به سیاست‌های لازم در راستای کاهش جمعیت زندان‌ها و وضعیت نامناسب زندان‌ها در اصلاح مجرم، مجازات حبس در عمل، مطلوبیت لازم برای تعیین مجدد برای پاسخ کیفری به جرایم علیه گونه‌های جانوری را ندارد. بنابراین تنها مجازاتی که باقی می‌ماند، باوجود برخی اشکالاتی که به آن وارد است، جزای نقدی می‌باشد.

۳.۴.۲. مجازات تکمیلی و اقدامات تأمینی و تربیتی

«اقدامات تأمینی و تربیتی عبارت است از فراهم نمودن امکان اصلاح برای هرکس و ایجاد وسایل جهت تذهیب و بهبود وضع مجرم.»^۱ در قانون مجازات اسلامی اقدامات تأمینی و تربیتی در بسیاری از موارد در قالب مجازات‌های تعزیری (ماده ۱۹)، تبعی یا تکمیلی (مواد ۲۵ و ۲۳)، مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. نهادهای نوین و مؤثری نیز در این خصوص در قانون مجازات پیش‌بینی شده است که مطلوب ارزیابی می‌شود. مانند نظام نیمه‌آزادی (موضوع ماده ۵۶)، مجازات‌های جایگزین حبس (ماده ۶۴) که بسیاری از اقدامات تأمینی تحت این عنوان آورده شده‌اند، مانند دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان و...، همچنین تعویق صدور حکم (ماده ۴۰)، نگهداری مرتکب جرم در صورتی که مجنون باشد (ماده ۵۲) و تعلیق اجرای حکم (ماده ۴۶)، همگی از تدابیر تأمینی و تربیتی به معنای عام در قانون مجازات اسلامی هستند. هدف اصلی از وضع مجازات‌های تکمیلی- که جنبه تأمینی و تربیتی دارند- اثربخشی بیشتر و کمک به اصلاح مجرم است. مطابق ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی، دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری یک تا شش محکوم کرده است، با رعایت شرایط مقرر در این قانون متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات فرد به یک یا چند مورد از مجازات‌های تکمیلی محکوم کند. در همین ماده مصادیقی از مجازات‌های تکمیلی مشخص شده که دست قاضی برای انتخاب هر یک از آنها باز است.

۱. رهامی، محسن، *اقدامات تأمینی و تربیتی*، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲، ص ۲۲.

در حیوان‌آزاری، چون فرد اصول اخلاقی را زیر پا می‌گذارد و رفتاری مرتکب می‌شود که ممکن است با برهم زدن نظم عمومی جامعه در ارتباط باشد و از آنجایی که ارتکاب چنین رفتارهایی می‌تواند ریشه در مشکلات روحی و روانی فرد داشته باشد و فرد حیوان‌آزار در آینده دست به جرایم بزرگ‌تر بزند، به همین دلیل، لزوم وضع مجازات‌های تکمیلی یا همان اقدامات تأمینی و تربیتی به عنوان پاسخی برای این رفتار کاملاً احساس می‌شود. لذا بیشتر از اینکه مجازات‌های سنگینی مثل حبس یا شلاق بخواهد وی را اصلاح کند، مجازات‌هایی در روند اصلاح و بازگرداندن او به جامعه، به عنوان فردی عاری از هرگونه ناهنجاری‌های اخلاقی، کارآمد است که به صورت ریشه‌ای رفتار او را بهبود ببخشد. اگرچه در واقع وضع هر کدام از مصادیق مجازات‌های تکمیلی برای رفتار غیراخلاقی حیوان‌آزاری در دست قانون‌گذار است، ولی به نظر می‌رسد مواردی مثل الزام به خدمات عمومی (بند (د) ماده ۲۳)، الزام به یادگیری شغل، حرفه یا کار معین (بند ز) و الزام به تحصیل (بند ژ) که در حیطه آشنایی با حیوانات و تغییر نگرش او نسبت به گونه‌های جانوری باشد، تا حدودی فرد حیوان‌آزار را متنبه می‌نماید.

اما با توجه به آنچه در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی آمده، در نظر گرفتن مجازات‌های تکمیلی زمانی میسر است که جرم ارتكابی از جمله جرایم حدی، قصاص یا تعزیری تا درجه شش باشد؛ بنابراین اگر قانون‌گذار به هنگام جرم‌انگاری حیوان‌آزاری، مجازات جزای نقدی تا درجه شش برای آن تعیین نکند، عملاً امکان وضع مجازات‌های تکمیلی وجود ندارد. همچنین یکی از شرایط عمده برای اجرای اقدامات تأمینی و تربیتی در قالب مجازات‌های تکمیلی، وجود حالت خطرناک در مجرم است. از حالت خطرناک در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعریف خاصی نشده است. البته ماده ۱ قانون منسوخ شده اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹ به تعریف این حالت پرداخته که عبارت است از: «مجرمین خطرناک کسانی هستند که سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی آنان و کیفیت ارتکاب و جرم ارتكابی، آنان را در مظان ارتکاب جرم در آینده قرار دهد، اعم از اینکه قانوناً مسئول باشند یا غیرمسئول ...». بنابراین حالت خطرناک یک حالت کاملاً مشخص و واضح که بتوان به راحتی آن را درک و تعریف کرد، نیست؛ لذا برای تعیین حالت خطرناک مجرم دادگاه باید به وضعیت فردی (خصوصیات روحی و اخلاقی)، وضعیت خانوادگی، سوابق و اوضاع و احوال جرم ارتكابی (کیفیت ارتکاب جرم) و... توجه کند که می‌توان

گفت این موارد همان مؤلفه‌های حالت خطرناک است. برخی از حقوق‌دانان جرایم مهم‌تر و جرایم دارای مجازات شدید را معرف حالت خطرناک مجرم می‌دانند؛ درحالی که در جرم‌شناسی بالینی، تشخیص حالت خطرناک بسیار وسیع‌تر از نظر حقوق‌دانان است. اینکه حیوان‌آزار هم دارای حالت خطرناک است که نیاز به اقدامات تأمینی و تربیتی داشته باشد، به صورت کلی اصلاً قابل بحث نیست و حسب مورد و با توجه به شرایط بیان شده، یعنی خصوصیات فردی، اجتماعی، کیفیت ارتکاب جرم و...، قاضی رسیدگی کننده باید وجود یا عدم وجود حالت خطرناک را تشخیص دهد و متعاقب آن تصمیم لازم را درباره او بگیرد. لذا اگر قاضی فرد حیوان‌آزار را فاقد حالت خطرناک تشخیص دهد، امکان محکوم کردن فرد به تدابیر تأمینی و تربیتی وجود ندارد. بنابراین تشخیص حالت خطرناک بر عهده قاضی است.

نتیجه‌گیری

پس از اینکه حیوان‌آزاری عنوان عامی تعریف شد که هرگونه رفتارهای عامدانه و بدون هیچ‌گونه دلیل و ضرورت خاص آسیب‌زننده به حیوانات را دربرمی‌گیرد، خود این عنوان عام یکی از جرایم علیه گونه‌های جانوری محسوب می‌شود که اصلاً در نظام حقوقی داخلی توجهی به آن نشده است؛ لذا فاقد وصف قانونی است. اما لزوم حمایت قانونی، به‌خصوص قانون کیفری، از حیوانات احساس می‌شود؛ زیرا اولاً مرتکب حیوان‌آزاری مرتکب عمل غیراخلاقی می‌شود و عرف را متأثر می‌کند و واکنش طیف وسیعی از جامعه را به همراه دارد، ثانیاً عمل او از منظر شرعی مشمول حکم حرمت است و ثالثاً ارتکاب حیوان‌آزاری مستعد برای برهم‌زدن نظم عمومی نیز می‌باشد. بنابراین می‌طلبند که از لحاظ حقوقی ارتکاب چنین رفتاری با پاسخ مناسب همراه باشد. یکی از این پاسخ‌های کیفری که می‌تواند به عنوان مجازات اصلی برای حیوان‌آزاری وضع شود، جزای نقدی است. جزای نقدی در وضعیت کنونی برای دولت این حسن را دارد که درآمدزایی می‌کند و از طرفی برای مرتکب هم همیشه جنبه‌ی ارباب‌آمیز بودن خود را حفظ می‌نماید. لیکن مجازات حبس اینطور نیست؛ چراکه فرد پس از چند بار زندانی شدن نسبت به فضای آن عادت می‌کند و جنبه‌ی ارباب‌آمیز بودن آن از بین می‌رود. میزان جزای نقدی نیز نه باید آنقدر ناچیز باشد که بازدارنده تلقی نشود و نه باید آنقدر بالا باشد که به دور از اصل تساوی جرم و مجازات باشد؛ لذا می‌بایست به حدی باشد که همان هراس از دست دادن مال را در بین افراد ایجاد کند و بازدارندگی لازم را داشته باشد و هم اینکه سازگار با اصل تساوی جرم و مجازات قلمداد گردد. اما بیشتر از اینکه مجازات‌ها و پاسخ‌های کیفری از ارتکاب چنین رفتارهایی پیشگیری کند، فرهنگ‌سازی مؤثر است. بدین منظور از محدود زمینه‌هایی که حقوق کیفری برای فرهنگ‌سازی ایجاد کرده است، نیز باید برای بالا بردن فرهنگ عموم مردم و تغییر نگرش آحاد جامعه نسبت به حیوانات استفاده کرد. یکی از این زمینه‌ها که به واقع مؤثرتر از مجازات‌هاست، اقدامات تأمینی و تربیتی است. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ همان‌طوری که اشاره شد، این تدابیر در قالب نهادهای مختلفی قرار گرفته که یکی از آنها مجازات‌های تکمیلی است. برای اینکه مجازات‌های تکمیلی موضوع ماده ۲۳ برای فرد حیوان‌آزار به‌اجرا درآید، باید مجازات اصلی عمل او حداقل مجازات تعزیری درجه شش باشد. در

مجازات تعزیری درجهٔ شش، قانون‌گذار جزای نقدی ۲ تا ۸ میلیون تومان را در نظر گرفته است. لذا قانون‌گذار می‌تواند با مقرر کردن جزای نقدی معادل همین محدوده هم ضمانت‌اجرای اصلی را برای حیوان‌آزاری در نظر بگیرد و هم مجازات‌های تکمیلی دیگری که مصلحت بر وضع آن است. به این ترتیب خبری از مجازات‌های خشن و سختگیرانهٔ بدنی و مجازات حبس ناکارآمد نیست. علاوه بر این با وضع مجازات‌های تکمیلی قطعاً می‌توان به تغییر نگرش عموم مردم نسبت به گونه‌های جانوری امیدوار بود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی و عربی

کتاب

۱. **قرآن کریم**
۲. **نهج البلاغه**
۳. ابن ادریس حلی، محمدبن منصور، **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰.
۴. اردبیلی، محمدعلی، **حقوق جزای عمومی**، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۲.
۵. برقی، ابوجعفر، احمدبن محمدبن خالد، **المحاسن (للبرقی)**، دارالکتب الإسلامیه قم، ۱۳۷۱ ق.
۶. جعفری، محمد تقی، **رسائل فقهی**، تهران: مؤسسه کرامت، ۱۳۷۷.
۷. جعفری محمد تقی، **منابع فقه**، نرم افزار جامع فقه اهل بیت ۲، بی تا.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ ق.
۹. رهامی، محسن، **اقدامات تأمینی و تربیتی**، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲.
۱۰. صدوق، محمدبن علی بن بابویه، **من لایحضره الفقیه**، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳.
۱۱. علامه حلی، حسن بن یوسف، **تذکره الفقهاء**، مؤسسه آل البيت (ع) قم، ۱۴۱۴.
۱۲. فاضل هندی، محمدبن حسن، **کشف اللثام و الإیهام عن قواعد الأحكام**، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶.
۱۳. کلینی، ابوجعفر، محمدبن یعقوب، **الکافی**، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷.
۱۴. گلدوزیان، ایرج، **بایسته‌های حقوق جزای عمومی ۱-۲-۳**، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۱.
۱۵. متقی هندی، علی بن حسام‌الدین، **کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال**، مؤسسه رسالت، بی تا.
۱۶. مجلسی دوم، محمد باقرین محمد تقی، **بحار الأنوار**، مؤسسه الطبع و النشر بیروت، ۱۴۱۰.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الاسلامی، ۱۳۸۷.
۱۸. نجفی، محمد حسن، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
۱۹. نوربها، رضا، **زمینه حقوق جزای عمومی**، مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان، ۱۳۸۷.

مقاله

۲۰. خانعلی پور، سکینه، حسین آقابابایی، و اسماعیل انصاری، **حقوق حیوانات در سنجه جرم‌شناسی انتقادی گونه‌های حیوانی**، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال هفتم، ۱۳۹۵، شماره ۲.
۲۱. کوشکی، غلامحسین، **چالش‌های نظام کیفری ایران در حوزه جرایم زیست محیطی**، فصلنامه اطلاع رسانی حقوقی، سال هشتم، ۱۳۸۹، شماره ۱۷ و ۱۸.

قوانین و مقررات

۲۲. **قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵.**
۲۳. **قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحات بعدی آن ۱۳۵۳ و ۱۳۷۵.**
۲۴. **قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.**

منابع الکترونیک

۲۵. پایگاه اینترنتی اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت www.iucnredlist.org، آخرین بازدید در شهریور ۹۶.
۲۶. پایگاه اینترنتی آیت‌الله شبیری زنجانی به نشانی www.zanjani.net، آخرین بازدید در شهریور ۹۶.
۲۷. پایگاه اینترنتی آیت‌الله علوی گرگانی به نشانی www.gorgani.ir، آخرین بازدید در شهریور ۹۶.
۲۸. پایگاه اینترنتی آیت‌الله موسوی اردبیلی به نشانی www.ardebili.com، آخرین بازدید در شهریور ۹۶.

(ب) منابع انگلیسی

Articles

29. Flynn Clifton P. "Acknowledging the Zoological Connection: A Sociological Analysis of Animal Cruelty", *Society & Animals*, Vol 9, No 1. 2001.
30. Krstić, Novak, "Animal Protection From Killing And Abuse in the European and Serbian Criminal Law", *Law and Politics*, Vol 10, No 1, 2012.
31. Vasak, karel, "A thirty year struggle; the sustained efforts to give force to the universal declaration of human rights", *the unesco courier*, Paris, 1977.